

بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه بیستم

فرجام نبوت ۱

پیغمبران با آن هدف بسیار عالی و مترقی که در روزهای قبلی تشریح کردیم؛ و در مقیاس‌های فرهنگ دوران نور و دوران آگاهی بشر یعنی قرن بیستم، آن هدف مترقی‌ترین هدف‌هاست؛ یعنی هدف یک طبقه کردن و برابر کردن انسان‌ها، و برافکندن جهل و فقر و ظلم و استثمار و اختلاف طبقاتی، با این هدف بسیار ارزنده و مترقی و عالی، پیغمبران مبعوث شدند و در جامعه‌ها قدم نهادند. یک سلسله فعالیت و تلاش و جهاد، حاصل زندگی پیغمبران خداست. از اول بعثت دیگر راحت نخواهید، دیگر در بستر آسودگی نغنون، دیگر روی خوشی و آسایش را ندیدن و یکسره جهاد کردن. این خلاصه سرگذشت پیغمبران الهی است.

سوالی پیش می‌آید. آقا آن جوری که در ذهن ما هست و در تاریخ نبوت‌ها می‌خوانیم، پیغمبران همه با تلاش‌ها و جهادها زندگی را گذرانده‌اند و بسیاری‌شان هم شربت شهادت نوشیده‌اند. پس کار این‌ها آیا کار بی‌ثمر و بی‌فایده‌ای بود؟ آیا پیغمبران در تاریخ شکست خوردند؟ دو مطلب ما در اینجا داریم. یکی این که این سلسله‌ای که به نام نبوت و رسالت معروف است؛ یعنی قافله پیغمبران، از آدم تا خاتم، این‌ها چه کار کردند؟ مجموعشان چه عملی را انجام دادند؟ آیا پیش بردند یا ورشکسته شدند؟ این یک مطلب. جواب این است:

انبیا آمدند یک موجودی را که در حد یک حیوان هم نمی‌توانست راه و چاه را بشناسد؛ موجودی که غریزه هم در او آن قدر توانا و راه‌گشا نبود؛ این موجود را آوردند در سطح یک موجودی که فرشتگان آسمان هم باید از او بیابند چیز بیاموزند. انبیا انسان‌ها را مثل یک شاگرد مدرسه‌ای سعی می‌کنم خیلی در سطح پایین مطلب را تنزل بدهم- مثل یک شاگرد مدرسه‌ای که هیچ چیز نمی‌داند حتی الفبا را، یک سال رویش زحمت کشیدند، آمد به کلاس دوم، اما معلم کلاس اول در

همین اثنا، وقتی که او رسیده بود به کلاس دوم، جان خودش را هم سر این کار گذاشته بود. کلاس کلاس، قدم قدم، مرحله مرحله، این بچه کوچک را هی آوردند بالا، آوردند بالا، آوردند بالا، هر معلمی رسالت خود را انجام داده و به ظاهر با ناکامی مرده و از بین رفته اما آیا او ناکام شده؟ خوب فکر کنید ببینید آیا او ناکام شده آن معلم؟

مگر معلم هدفش چه بود؟ مگر این معلم دلسوز همین را نمی خواست؟ او می خواست این شاگرد از خاک سیاه به اوج قله فرهنگ و دانش و معرفت برسد و حالا مگر نشده این جور؟ پس معلمها ناکام نمرند.

در مسئله اول این جور نتیجه می گیریم، می گوئیم که انبیای عظام الهی، اگر چه که تک تک شان با محرومیتها و ناکامیها مواجه شده اند اما در مجموع سیر بشریت به سوی ترقی و تعالی بوده و عاملش انبیا بوده اند. انبیا بوده اند که انسان را به سوی آن سر منزل مقصود و به سوی سرشته عاقبت انسانی هل دادند، حرکت دادند، به او کمک کردند در رفتن این راه، این مسئله اول.

مسئله دوم این است که وقتی پیغمبری در جهان نهضتی به وجود می آورد؛ انقلابی و رستاخیزی برپا می کند؛ آیا می توان گفت که این انقلاب عاقبت خوبی دارد یا نه؟ می توان امیدوار بود به اینکه پایان این کار نیکی است؟ یا نمی شود امیدوار بود؟ قاعده کلی چیست اینجا؟ بعضی می گویند ما هر چه نگاه می کنیم، می بینیم هر جا سخن حقی از زبانی در آمد؛ هر جا نغمه حقیقت از سویی به گوش رسید؛ بالاخره به نتیجه و ثمر نرسید و خفه شد!

ما به قرآن مراجعه می کنیم. از قرآن درس می گیریم، که فرجام نبوتها چیست؟ قرآن مثل می زند. در همین آیاتی که تلاوت کردم و حالا باز مجدداً تلاوت می کنم و ترجمه می کنم؛ به ما می گوید که نه! در دنیا حقیقت و باطلیست. حق می ماند، باطل نابود می شود. از کوهها در رودخانهها آب سیلان و جریان پیدا می کند. کف بر روی آب ظاهر می شود، کفها می میرد، آبها می ماند. باطل همان کف است که خواهد مرد، آب همان حق است که خواهد ماند.

تا اینجا آن چنانی که قرآن به ما می آموزد، و واقعیت تاریخی هم آن را تایید می کند، هر یک از نبوتهایی که در این عالم ظهور کردند، از اول تا آخر، علاوه بر این که در سلسله نبوتهای تاریخ

یک فعلی را انجام دادند؛ یک قدم بشر را به پیش بردند؛ خود آن‌ها هم به خودی خود دارای امکان موفقیت بوده‌اند.

انبیا همه‌جا امکان موفقیت داشته‌اند، پیروان انبیا هم، همه‌جا امکان موفقیت دارند، مسلم هم موفق خواهند شد اما به دو شرط، دو تا شرط دارد. یکی از آن دو شرط ایمان است، اعتقادی از روی آگاهی است، باوری است همراه با تعهدپذیری، قبولی است همراه با تلاش و حرکت؛ این شرط اول.

شرط دوم صبر، صبر یعنی چه؟ یعنی مقاومت، از میدان در نرفتن، کار را در لحظه حساس و خطرناک رها نکردن. ما صبر را هم بد معنا می‌کنیم! ما خیال کردیم صبر به این است که حالا بنشینیم، ببینیم چگونه خواهد شد! بنده می‌گوییم به شما چگونه خواهد شد؛ نمی‌خواهد بنشینید ببینید. اگر بدون فعالیت، بدون تلاش، بدون تپش نشستی، عاقبت بدبختی است، ذلت است، خواری است، بی‌دینی است و بی‌دنیایی است. « خَسِرَ الدُّنْيَا وِ الْآخِرَةِ ذَلِكَ هُوَ الْخَسْرَانُ الْمُبِينُ » اما اگر با صبر پیش رفتی، عاقبت هم دین است و هم دنیاست.

پایان

تهیه شده در طرح تبیین منظومه فکری رهبری